

# بازپژوهی مستند جبران خسارت معنوی در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح

علی نصیرالاسلامی<sup>۱</sup>، یاسر خسروی<sup>۲</sup> و سید اصغر غفاری<sup>۳</sup>

۱- دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم، قم، ایران.

۲- استاد یار و عضو هیئت علمی دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران.

۳- دانش آموخته دکتری قرآن و علوم، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۴- استاد دروس معارف، دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران.

✉ نویسنده مسئول: ایمیل: [yaserkhosravi6688@gmail.com](mailto:yaserkhosravi6688@gmail.com)

## چکیده

صیانت از کرامت انسانی و پاسداری از حریم شریعت اسلامی و سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران است. «خسارت معنوی» گرچه ماهیتی غیرمادی و ارزیابی ناپذیر از منظر کمی دارد، اما آثار روانی، اجتماعی و اعتباری آن می‌تواند در مواردی از خسارت‌های مادی فراتر رود. در چارچوب قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۰، خلأهایی در زمینه شناسایی، اثبات و جبران این نوع خسارت مشاهده می‌شود؛ به‌ویژه در جرائم مرتبط با حیثیت، آبرو و موقعیت اجتماعی. این پژوهش با هدف تبیین مستندات فقهی و بیان مواد قانونی جبران خسارت معنوی در قانون مجازات نیروهای مسلح، در پاسخ به مسئله فقدان مبنای روشن فقهی در این زمینه، با رویکرد تحلیلی-توصیفی و بازخوانی نقادانه منابع فقهی، اعتبار قواعد عام مانند «لاضرر»، «ضمان ید» و «من ألتف» را در اثبات مسئولیت خسارت معنوی بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که قواعد مذکور به تنهایی توان استدلالی کافی ندارند. درعین حال، تبیین شده که نهاد تعزیر محدود به کیفرهای بدنی نیست، بلکه از ظرفیت مشروع برای جبران خسارت‌های معنوی نیز برخوردار است و می‌تواند در سیاست کیفری نیروهای مسلح نقش مؤثر ایفا کند.

**واژگان کلیدی:** خسارت معنوی، اعمال کیفری، قانون مجازات نیروهای مسلح، ضمان فقهی، قاعده لاضرر، تعزیر

## اطلاعات انتشار

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۱۰/۲۱

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۱۲/۲۹

# Documentary review of compensation for moral damages in the Criminal Code of the Armed Forces

Ali Nasiroleslami<sup>1</sup>, Yaser Khosravi<sup>2</sup>✉ and Seyyed Asghar Ghaffari<sup>3,4</sup>

1- Qom Seminary, Qom, Iran.

2- Imam Ali Officers' University, Tehran, Iran.

3- Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

4- Imam Ali Officers' University, Tehran, Iran.

✉Corresponding Author. Email: [yaserkhosravi6688@gmail.com](mailto:yaserkhosravi6688@gmail.com)

## Abstract

Protecting human dignity and upholding the dignity of individuals are fundamental pillars of Islamic law and the penal policy of the Islamic Republic of Iran. Although “moral damage” is non-financial and cannot be quantified, its psychological, social, and reputational effects can in some cases exceed material damages. Within the framework of the Armed Forces Crimes Punishment Law approved in 2011, there are gaps in the identification, proof, and compensation of this type of damage; especially in crimes related to honor, reputation, and social status. This study aims to explain the jurisprudential documents and state the legal provisions on compensation for moral damage in the Armed Forces Penal Code, in response to the lack of a clear jurisprudential basis in this regard, and has examined the validity of general rules such as “no harm,” “guarantee of the hand,” and “I am responsible for the loss” in proving liability for moral damage with an analytical-descriptive approach and a critical review of jurisprudential sources. The findings show that the aforementioned rules alone do not have sufficient argumentative power. At the same time, it has been explained that the institution of ta’zir is not limited to corporal punishment, but also has the legitimate capacity to compensate for moral damages and can play an effective role in the penal policy of the armed forces.

Received: 2025/03/15

Accepted: 2026/01/11

Published: 2026/03/16

**Keywords:** Moral damages, criminal acts, Armed Forces Penal Code, Jurisprudential guarantee, Rule of non-harm, ta’zir

## اهمیت و ضرورت تحقیق

در عصر حاضر که گفتمان حقوق بشر و کرامت انسانی جایگاهی محوری یافته، توجه به ابعاد غیرمادی زیان و لزوم جبران آن در نظام‌های حقوقی اهمیتی مضاعف پیدا کرده است. درحالی‌که قوانین عام مانند قانون مسئولیت مدنی یا قانون آیین دادرسی کیفری (همچون ماده ۱۴ آن در خصوص امکان مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم) تا حدودی به موضوع جبران خسارت معنوی نظر داشته‌اند، قوانین خاص، به‌ویژه قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۹۰ با اصلاحات بعدی، در این زمینه دچار نوعی سکوت یا ابهام جدی است.

### ضرورت این تحقیق از چند منظر قابل تبیین است:

۱. **حساسیت جایگاه نیروهای مسلح:** نیروهای مسلح نه‌تنها حافظان امنیت و اقتدار کشورند، بلکه به‌واسطه‌ی ساختار انضباطی و اختیارات ویژه، رفتار کارکنان آن‌ها می‌تواند تأثیرات عمیق‌تری، به‌ویژه از بعد حیثیتی و معنوی، بر افراد (اعم از نظامیان دیگر یا شهروندان) داشته باشد؛ لذا بررسی مسئولیت کیفری و مدنی (جبرانی) در قبال آسیب‌های معنوی ناشی از جرائم ارتكابی در این حوزه از اهمیت حیاتی برخوردار است. حساسیت این جایگاه در حوزه جبران خسارت معنوی آنجا پررنگ‌تر می‌شود که قوانین خاص نیروهای مسلح فاقد نص صریح در این باره‌اند و قاضی نظامی برای جبران اخلاقی، حیثیتی یا روانی زیان‌دیدگان ناگزیر است به مواد قانونی ارجاعی متکی شود. این رویکرد بارها در رویه دادگاه‌های نظامی با استناد به ماده ۱۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (ارجاع به ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی) و قوانین عام نظیر قانون مسئولیت مدنی و آیین دادرسی کیفری صورت گرفته و ابزارهای غیرمالی همچون «اعاده حیثیت» یا «محرومیت از ارتقاء» برای پیشگیری و اصلاح استفاده شده است.

۲. **خلأ قانونی و فقهی در حوزه خاص:** همان‌طور که اشاره شد، درحالی‌که مباحث کلی پیرامون خسارت معنوی در فقه و حقوق وجود دارد، تحلیل فقهی عمیق و منسجم با تمرکز بر خسارت معنوی ناشی از اعمال کیفری خاص که مشمول قانون مجازات نیروهای مسلح هستند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تبیین مبانی فقهی مسئولیت در این حوزه، به‌ویژه با توجه به اشکالات وارده بر شمول مطلق قواعد عام فقهی (مانند لاضرر، ضمان و من ألتف) بر ضررهای معنوی، امری ضروری برای استنباط حکم شرعی و تبیین مبانی قانونی است.

۳. **تأثیر بر رویه قضایی:** عدم وجود نص صریح در قانون مجازات نیروهای مسلح و ابهام در مبانی فقهی قابل استناد، می‌تواند به سردرگمی در رویه قضایی محاکم نظامی و دادسراهای نظامی، منجر شود. این تحقیق می‌تواند با ارائه تحلیلی مبنایی، راهگشای قضات در شناسایی و امکان‌سنجی جبران این‌گونه خسارات باشد به‌عنوان نمونه با بررسی مبنای این مسئله روشن می‌شود که آیا پرداخت خسارت مالی می‌تواند با

در نظام حقوقی اسلام، حفظ کرامت ذاتی انسان و حمایت از حیثیت غیرمادی، اصلی خدشه‌ناپذیر است که ریشه در نصوص قرآنی دارد: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلْنَجِئِنَّهُ حَيَوَةً طَيِّبَةً» (نحل، آیه ۹۷) و «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ» (حجرات، آیه ۱۱). همچنین آموزه‌های قرآن کریم مثل «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ» (بقره، آیه ۲۷۷) هرگونه تعرض - اعم از جسمی و یا خدشه به شخصیت اجتماعی - مستوجب ضمان شرعی و واکنش کیفری متناسب است. «خسارت معنوی» به‌صورت مستقیم در پی جرائمی چون توهین، افتراء، قذف، تهدید یا سوءاستفاده از موقعیت شغلی پدید می‌آید و در عین غیرقابل لمس بودن، تبعات اجتماعی و روانی عمیقی به همراه دارد (بویری، ۱۴۰۱ش). از دیدگاه فقهی، رویکرد سنتی عمدتاً با استناد به «قاعده لاضرر»، «ضمان ید» و «من ألتف» تلاش در اثبات ضمان داشته، با این حال، دامنه این ادله در پوشش ضررهای غیرمادی، کامل و بی‌ابهام نیست و نیازمند تقویت با مبانی عقلایی و عرفی است (حائری، ۱۴۰۲ش). در حقوق ایران، قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ امکان مطالبه ضررهای معنوی را پیش‌بینی کرده‌اند، اما قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح در این خصوص سکوت نسبی دارد. با وجود این سکوت، ماده ۱۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ با اصلاحات بعدی، از طریق ارجاع به ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، امکان اتخاذ تدابیر تکمیلی و تبعی از جمله اعاده حیثیت، منع فعالیت، درج حکم، یا الزام به عذرخواهی رسمی را فراهم می‌آورد (قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، ۱۳۸۲؛ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۲۳). این تدابیر هرچند غالباً غیرمالی‌اند، اما اثر مستقیم بر جبران آسیب‌های حیثیتی و کاهش خسارت معنوی دارند. در همین راستا، دادگاه‌های نظامی می‌توانند با تمسک به ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۱، ۲ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی، جبران کامل ضررهای معنوی ناشی از جرم را حتی به صورت مالی نیز حکم دهند. این پژوهش با تحلیل مبانی فقهی و ظرفیت‌های حقوق کیفری، به دنبال ارائه الگویی برای جبران خسارت معنوی ناشی از اعمال کیفری کارکنان نیروهای مسلح و پاسخ به این خلأ است.

براین‌اساس، سؤال اصلی پژوهش آن است که مبنای حقوقی جبران خسارت معنوی در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح چیست و چگونه می‌توان از ظرفیت قواعد فقهی و نهادهای کیفری برای تحقق آن بهره گرفت؟ در راستای تبیین این مسئله، سؤالات فرعی پژوهش عبارت‌اند از: حدود و کارکرد قواعد فقهی مانند «لاضرر»، «ضمان ید» و «من ألتف» در اثبات حکم به جبران خسارت معنوی تا چه اندازه است؟ نهاد تعزیر چه جایگاهی در جبران این نوع خسارت‌ها دارد؟ در نهایت، این پژوهش می‌کوشد با تحلیل مبانی فقهی و مستندات قانونی، امکان و حدود صدور حکم به جبران خسارت معنوی به‌صورت مالی یا غیرمالی از سوی محاکم قضایی را روشن سازد.

خسارت معنوی مقابله کند تا قاضی، حکم به محکومیت مالی کند یا خیر اساساً چون خسارت معنوی معمولاً یا قابل تدارک نیست یا معیار روشنی برای تعیین خسارت آن نیست پس حکم به جبران مادی امکان ندارد.

**۴. حفاظت از حقوق قربانیان:** تبیین شفاف مسئولیت در قبال خسارت معنوی ناشی از جرائم نظامی، گامی مهم در جهت احیای حقوق تضییع شده‌ی قربانیان این جرائم، افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی نظامی و صیانت از کرامت انسانی است.

بنابراین، تحقیق حاضر باهدف پر کردن این خلأ علمی و کمک به ارتقای نظام حقوقی و قضایی کشور در حوزه مسئولیت ناشی از خسارت معنوی در فضای نیروهای مسلح، امری ضروری و حائز اهمیت تلقی می‌گردد.

### پیشینه پژوهش

موضوع خسارت معنوی از ابعاد مختلف فقهی و حقوقی مورد پژوهش قرار گرفته است. با این حال، اغلب این تحقیقات به صورت کلی به مبانی فقهی یا قوانین عام حقوقی ایران پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی به صورت متمرکز و عمیق به تحلیل فقهی خسارت معنوی ناشی از اعمال کیفری در چارچوب قانون مجازات نیروهای مسلح پرداخته است. مرور مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط به شرح زیر، مؤید این ادعاست:

ناصر، مهدی؛ رستمی نجف‌آبادی، حامد. (۱۳۹۷ش). «تحلیل حقوقی ماهیت خسارت معنوی و طرق جبران آن در پرتو آراء فقهی». فصلنامه علمی-پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی. این مقاله به بررسی مبانی فقهی و حقوقی خسارت معنوی به صورت کلی پرداخته و راهکارهای جبران آن را در نظام حقوقی عمومی ایران مورد بحث قرار داده است. تمرکز اصلی آن بر مباحث نظری و قوانین عام حقوقی است و به صورت اختصاصی به قانون مجازات نیروهای مسلح و جرائم خاص آن نپرداخته است.

حدادی، فاضل. (۱۳۹۵ش). «جبران خسارت معنوی از منظر فقه و حقوق با تأکید بر ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری». فصلنامه مطالعات فقهی حقوقی. این پژوهش به بررسی رابطه میان مبانی فقهی و قاعده حقوقی مندرج در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص جبران ضرر و زیان ناشی از جرم می‌پردازد. اگرچه به بحث خسارت معنوی در بستر کیفری اشاره دارد، اما تمرکز آن بر قوانین و آیین دادرسی عمومی است و وارد فضای تخصصی و مجازات‌های مندرج در قانون نیروهای مسلح نمی‌شود.

بهره‌مند، مهدی. (۱۳۹۲ش). «عدم مشروعیت ضرر معنوی از دیدگاه قرآن و احادیث». دوفصلنامه علمی-تخصصی پژوهش‌های دینی. این مقاله با رویکردی تفسیری و حدیثی، دیدگاهی انتقادی نسبت به پذیرش و جبران ضرر معنوی از منظر برخی مبانی دینی ارائه می‌دهد.

اما بیشتر در سطح نظری و مباحث کلامی/تفسیری باقی مانده و به تحلیل فقهی-حقوقی در چارچوب یک نظام قانونی مشخص (مانند قانون مجازات نیروهای مسلح) نپرداخته است.

محمودی، سعیده. (۱۳۹۴ش). «جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. این پایان‌نامه به مقایسه تطبیقی دیدگاه فقه امامیه و حقوق ایران در خصوص خسارت معنوی می‌پردازد. دامنه بحث آن عمدتاً حوزه حقوق خصوصی و مسئولیت مدنی عام را شامل می‌شود و به صورت خاص به جرائم و مجازات‌های کیفری در قوانین خاص مانند قانون نیروهای مسلح ورود نکرده است.

زارع، مهدی. (۱۴۰۱ش). «بررسی خسارت معنوی در رویه قضایی دادگستری». مجله حقوقی. این مقاله به تحلیل و بررسی چگونگی برخورد محاکم عمومی دادگستری با دعاوی مطالبه خسارت معنوی براساس آرای قضایی موجود می‌پردازد. نتایج آن نشان‌دهنده ابهامات و چالش‌ها در رویه عملی است، اما تمرکز آن بر رویه کلی دادگستری است و به صورت خاص به رویه احتمالی یا مورد نیاز در محاکم نظامی نپرداخته است.

جمع‌بندی بررسی پیشینه نشان می‌دهد که باوجود اهمیت موضوع خسارت معنوی در فقه و حقوق و انجام تحقیقات متعدد در این زمینه، خلأ آشکاری در خصوص تحلیل فقهی مبانی و امکان جبران خسارت معنوی ناشی از جرائم خاص مشمول قانون مجازات نیروهای مسلح وجود دارد. پژوهش حاضر دقیقاً بر این خلأ تمرکز کرده و در پی آن است تا با بهره‌گیری از مبانی فقهی و تحلیل ساختار و مواد مرتبط (یا سکوت) قانون مجازات نیروهای مسلح، گامی در جهت پر کردن این شکاف علمی و تبیین دقیق‌تر موضوع بردارد.

### روش

این تحقیق از نظر ماهیت، یک پژوهش نظری محسوب می‌شود که باهدف توسعه دانش فقهی و حقوقی در یک حوزه خاص انجام می‌گیرد. از نظر روش، این تحقیق توصیفی - تحلیلی با نگاه نقادانه است.

**روش گردآوری اطلاعات:** اطلاعات مورد نیاز به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع فقهی (کتب و مقالات، جستارهای فقهی)، متون قانونی (به‌ویژه قانون مجازات نیروهای مسلح و قوانین مرتبط دیگر مانند قانون مسئولیت مدنی، قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مدنی)، کتب و مقالات حقوقی، و آرای وحدت رویه و نظریات مشورتی (در صورت وجود ارتباط) گردآوری شده است. ابزار اصلی گردآوری، فیش‌برداری از منابع معتبر است.

**روش تحلیل اطلاعات:** اطلاعات گردآوری شده با رویکرد تحلیلی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این فرایند شامل مراحل زیر است:

**بازپژوهی فقهی:** بررسی و واکاوی عمیق مبانی فقهی عام مرتبط با ضمان و مسئولیت (نظیر قواعد لاضرر، اتلاف، تسبیب، ضمان ید و...)، نقد و

قوانین جزایی برای آن‌ها مجازات تعیین شده است. به عبارت دیگر، هرگاه شخصی عملی را انجام دهد یا از انجام عملی خودداری کند که قانون آن را ممنوع کرده و برای آن مجازات مشخص نموده است، آن عمل را می‌توان «عمل کیفری» یا «جرم» دانست. مطابق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود.»

بنابراین، عنصر قانونی یکی از ارکان اساسی تحقق جرم است. به این معنا که هیچ فعلی را نمی‌توان جرم دانست، مگر آن که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد؛ حتی اگر از نظر عرفی یا اخلاقی ناپسند باشد. به عبارت دیگر، اصل «قانونی بودن جرم و مجازات» به عنوان یکی از اصول مهم حقوق کیفری، به صراحت بر این نکته تأکید دارد (گلدوزیان، ۱۳۹۸: ۲۵).

### قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مجموعه‌ای از مقررات کیفری ویژه است که برای رسیدگی به جرائم مرتبط با وظایف خاص نظامی و انتظامی کارکنان نیروهای مسلح تدوین شده است. مطابق ماده ۱ این قانون، دادگاه‌های نظامی صلاحیت رسیدگی به جرائم مربوط به افراد مشخصی از جمله کارکنان ارتش، سپاه، بسیج، وزارت دفاع، نیروی انتظامی، کارکنان وظیفه، و محصلان مراکز آموزش نظامی و انتظامی را دارند (قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، ۱۳۸۲: ۱).

### یافته‌ها

#### مستندات فقهی حکم به جبران خسارت معنوی در قانون جرایم نیروهای مسلح:

بررسی دلالت قاعده «لاضرر» بر لزوم جبران

قاعده «لاضرر» از قواعد معتبر فقهی است که هم پشتوانه عقلی دارد و هم از قرآن و روایات استفاده می‌شود؛ به ویژه با استناد به حدیث مشهور «لاضرر و لا ضرار فی الإسلام» که دارای شهرت روایی است (هرچند در اکثر نسخ، تعبیر «فی الإسلام» ذکر نشده است). در اینجا بیان مستندات و مبانی این قاعده مقصود نیست، بلکه در باب تمسک به لاضرر برای اثبات ضمان دو بحث وجود دارد:

- ا. آیا قاعده «لاضرر» می‌تواند مثبت حکم وجودی باشد؟ به عبارت دیگر، اگر ترک حکم شارع موجب ضرر شود، آیا با «لاضرر» می‌توان آن حکم را اثبات کرد؟
- ب. آیا حکم به جبران در خسارت معنوی، مصداقی از همین بحث است و می‌توان برای این حکم به قاعده «لاضرر» تمسک نمود؟

در پاسخ به سوال اول باتوجه به اینکه لسان قاعده

تحلیل شمول یا عدم شمول آن‌ها بر خسارات معنوی، جستجو و بررسی مبانی فقهی خاص‌تر مرتبط با آسیب‌های غیرمادی (مانند مباحث مربوط به اهانت، اسقاط حیثیت، ضرر و زیان‌های ناشی از کذب و...) و تلاش بر استنباط مبانی فقهی قوی‌تر برای جبران خسارت معنوی از قواعد باب تعزیر در صورت احراز خواهد بود.

**تحلیل حقوقی:** بررسی و تحلیل مواد، فصول و کلیت قانون مجازات نیروهای مسلح به منظور شناسایی جرائم کیفری که ذاتاً یا در نتیجه ارتکاب می‌توانند منجر به خسارت معنوی شوند. تحلیل سکوت یا ابهام این قانون در خصوص جبران خسارت معنوی و بررسی امکان استناد به قوانین عام در کنار این قانون خاص. مقایسه دیدگاه فقهی مستنبط با رویکرد قانون‌گذار در قانون مجازات نیروهای مسلح.

**تحلیل تطبیقی (فقه و حقوق):** تبیین نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه فقهی مستنبط با آنچه از تحلیل قانون مجازات نیروهای مسلح استنتاج می‌شود و ارائه راهکارهایی برای پر کردن خلأ یا رفع ابهام در قانون با اتکا به مبانی فقهی معتبر.

در نهایت، تحلیل‌ها به صورت منطقی و مستدل ارائه شده تا قوانین ناظر به این مسئله بیان شود و مستند فقهی این قوانین بازپژوهی شود و راهکارهای نظری و عملی برای تبیین جایگاه و امکان جبران خسارت معنوی ناشی از اعمال کیفری در قانون مجازات نیروهای مسلح پیشنهاد گردد.

### مفهوم‌شناسی

#### ضمان

ضمان در لغت به معنای کفالت و غرامت کشیدن (پرداخت خسارت) آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۵۷). فقهها در اصطلاح، ضمان را به معنای مطلق اشغال ذمه، به هر سببی از اسباب مثل: قتل، دیات، دیون کلی ناشی از معاملات و حقوق شرعی همچون خمس و زکات دانسته‌اند؛ بنابراین، هرگاه ذمه شخصی به چیزی مشغول گردد، او ضامن آن است (صدر، ۱۴۲۱ق: ۳۲۱).

#### خسارت معنوی

خسارت: کم آمدن حاصل فروش از قیمت خرید، ضرر در تجارت و زیان در معامله (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۵۹).

در تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری خسارت معنوی اینگونه تعریف شده است «زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است» (قانون آیین دادرسی کیفری، تبصره ۱ ماده ۱۴، مصوب ۱۳۹۲).

#### اعمال کیفری

اعمال کیفری به آن دسته از افعال یا ترک افعالی اطلاق می‌شود که در

اذن وی) این یعنی لاضرر می‌تواند علاوه بر رفع حکم، اثبات حکم نیز کند همچنان که در این روایت شارع با استناد به لاضرر حکم به جواز قلع درخت سمه کرد. براین اساس، قاعده «لاضرر» می‌تواند مستند فقهی برای اثبات لزوم جبران یا رفع خسارت‌های معنوی نیز قرار گیرد.

درحالی که در قضیه سمه، گرچه نزاع ناظر به خسارت معنوی (اذیت شدن خانواده انصاری) بود، اما استناد پیامبر (ص) به قاعده «لاضرر» ناظر به لزوم جبران خسارت معنوی نبوده، بلکه برای نفی یک حکم ضرری بوده است. در واقع، جواز تصرف مالکانه سمه که موجب ضرر به انصاری می‌شد، با قاعده «لاضرر» محدود گردید؛ بنابراین، آنچه اتفاق افتاد رفع یک حکم وضعی ضرری بود، نه اثبات ضمان. از سوی دیگر، چون انصاری حق تصرف در ملک سمه را نداشت، پیامبر (ص) به واسطه‌ی «لاضرر» همان حکم ثابت حرمت تصرف در مال غیر را در این مورد خاص برداشتند که در نتیجه انصاری درخت را قلع کرد و به سمه داد. پس این روایت دلالتی بر جبران خسارت معنوی ندارد، بلکه صرفاً ناظر به رفع یک حکم ضرری است.

اشکال: در ماجرای سمه بن جندب، پیامبر (ص) با استناد به قاعده «لاضرر» اجازه دادند درخت سمه قطع شود، اما با اینکه درخت بدل دارد و قابل جبران است، انصاری را ضامن آن قرار ندادند. این نشان می‌دهد «لاضرر» صرفاً نفی حکم می‌کند و مثبت حکم (ضمان) نیست، خصوصاً در مواردی مثل خسارت معنوی که اصلاً قابلیت تقویم وجود ندارد؛ وگرنه پیامبر (ص) می‌توانستند دستور دهند درخت قطع شود و خسارت آن هم به سمه پرداخت گردد.

جواب: اگر چه روایت سمه بن جندب اطلاق مقامی<sup>۲</sup> دارد و شارع حکم به ضمان نکرده است؛ اما حضرت این عدم ضمان را مستند به لاضرر نکرده است، در نتیجه روشن نیست که عدم ضمان مستند به لاضرر باشد؛ بلکه لاضرر صرفاً نافی احترام ملکیت سمه است.

اما در پاسخ به سوال دوم چه بسا گفته شود که در مقام اثبات ضمان در خسارات معنوی با استناد به قاعده لاضرر، می‌توان استدلال را اینگونه تبیین کرد:

اگر شارع به طور صریح حکم به عدم ضمان نداده باشد، بلکه در مقام بیان، سکوت کرده و هیچ‌گونه حکمی نسبت به ضمان در خسارات معنوی صادر نکرده باشد، در این صورت نیز عدم حکم به ضمان، در فرض تحقق ضرر، مصداق ضرر تلقی می‌شود. به همین اعتبار، قاعده لاضرر شامل این مورد نیز می‌شود و «عدم حکم به ضمان» را به عنوان حالتی ضرری نفی می‌کند. لازمه نفی آن، اثبات نقیض آن، یعنی حکم به ضمان است؛ چرا که بین نقیضین، واسطه‌ای وجود ندارد (رستمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷: ش: ۶۲).

آطلاق مقامی حالتی است که از سکوت متکلم در مقام بیان استفاده می‌شود، نه از ظاهر لفظ. یعنی وقتی گوینده (شارع) در موقعیتی است که باید تمام چیزهایی را که در غرضش دخیل است بیان کند، اما درباره‌ی موردی ساکت می‌ماند یا اشاره‌ای نمی‌کند، از این سکوت فهمیده می‌شود که آن مورد در غرض او دخالتی ندارد (مشکینی، ۱۳۷۱: ش: ۱، ۲۴۸).

لاضرر لسان نفی است پس این قاعده مثل قاعده لا حرج، ناظر به احکام ثابت در شرع است تا با اطلاقی هر موردی که سبب ضرر می‌شود را نفی کند نه اینکه خود به‌تنهایی مثبت حکم باشد (خوانساری، ۱۴۱۸ق: ۳۷۳). خصوصاً که از ترکیبات مشابه لاضرر، مثل آیه شریفه «فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» (بقره، ۱۹۷) صرفاً استفاده می‌شود که رفث و فسوق و جدال در حج حرام است اما دلالتی بر عقوبت یا ضمان در صورت رفث و فسوق ندارد.

برخی با استناد به قضیه سمه بن جندب<sup>۱</sup>، بر این باورند که قاعده «لاضرر» نه تنها ناظر به نفی احکام ضرری است، بلکه قابلیت اثبات ضمان و لزوم جبران خسارت، به‌ویژه در حوزه خسارات معنوی را نیز دارد. در این ماجرا، سمه بدون اذن، وارد ملک فرد انصاری می‌شد و این ورود مکرر باعث آزار خانواده انصاری می‌گردید. پیامبر اکرم (ص) با تمسک به قاعده «لا ضرر»، نه تنها این تصرف را منع کردند، بلکه حکم به قطع درخت سمه صادر نمودند. از این اقدام چنین برداشت می‌شود که شارع، به دلیل وقوع ضرر معنوی، نه تنها حکم ضرری (جواز تصرف سمه در درخت خودش) را برداشت؛ بلکه نسبت به ازاله منشأ ضرر (وجود درخت در زمین انصاری) نیز حکم صادر کرده است (جواز تصرف (قلع) فرد انصاری در درخت سمه بدون

<sup>۱</sup> ماجرای معروف «سمه بن جندب» که قاعده فقهی «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» از آن استخراج شده، چنین است: سمه بن جندب باغی داشت که آن را به یکی از انصار فروخت، ولی هنگام معامله، یکی از درختان نخل داخل باغ را برای خود استثنا کرد و گفت آن درخت همچنان متعلق به او باشد. مرد انصاری نیز پذیرفت و باغ را خرید. پس از مدتی، سمه به بهانه رسیدگی به همان نخل، بدون اجازه و اطلاع، وارد باغ می‌شد؛ در حالی که مرد انصاری و خانواده‌اش در آن زندگی می‌کردند. انصاری از او خواست هنگام ورود اجازه بگیرد، مثلاً صدا بزند یا در بزند، اما سمه نپذیرفت و گفت: «درخت از آن من است و راه هم راه من، پس نیازی به اجازه گرفتن نیست» انصاری که از این رفتار ناراحت شده بود، نزد پیامبر اکرم (ص) رفت و شکایت کرد. پیامبر (ص) سمه را احضار فرمودند و از او خواستند که هنگام ورود اجازه بگیرد، اما او باز مخالفت کرد و گفت: «من مالک درختم و هر وقت بخواهم وارد می‌شوم.» پیامبر (ص) برای حل موضوع فرمودند: «درخت را به من بفروش تا در برابر آن درختی در بهشت به تو بدهم» سمه نپذیرفت. حضرت چند بار با وعده‌ی پاداش بیشتر (حتی ده درخت در بهشت) او را تشویق کردند، ولی او همچنان امتناع کرد و نشان داد هدفش آزار رساندن است نه استفاده از درخت.

در نهایت پیامبر (ص) به مرد انصاری فرمودند: «برو و آن درخت را از ریشه بکن و به سوی او بینداز، زیرا در اسلام ضرر و زیان روا نیست» سپس به سمه فرمودند: «تو مردی هستی که قصد آسیب رساندن به دیگران داری.»

از این ماجرا قاعده‌ی معروف «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» یعنی «در اسلام، ضرر و زیان وجود ندارد» استنباط شد که یکی از اصول مهم فقه اسلامی به شمار می‌رود. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵، ۲۹۴)

بنابراین، با توجه به عموم و اطلاق قاعده ضمان ید، و تحلیل موسع مفهوم «ید» به عنوان سلطه‌ی بدون مجوز بر حقوق دیگران، می‌توان استدلال کرد که تعرض به حیثیت، شخصیت یا آرامش روانی افراد نیز مشمول ضمان بوده و متصرف در این حقوق، مکلف به جبران خسارت معنوی وارد شده خواهد بود.

در تحلیل استدلال به قاعده ضمان ید برای اثبات لزوم جبران خسارت معنوی، اشکالات و مناقشات متعددی قابل طرح است که مشروعیت توسعه این قاعده را با چالش مواجه می‌سازد.

مهم‌ترین این اشکالات عبارت‌اند از:

### انصراف قاعده ضمان ید به اموال مادی

قاعده «علی الید ما أخذت حتی تؤدیه» در کتب فقها عمدتاً ناظر به اموال مادی است و در مواردی مانند غصب، ودیعه و عاریه به کاررفته که عین یا مثل یا قیمت داشته باشد. بنابراین فقها، در صورت فوت عمل فرد آزاد (حر) به سبب حبس، به این قاعده تمسک نکرده‌اند. به عنوان نمونه، صاحب جواهر در بحث ضمان عمل حر گفته است: «ضروره عدم کونه مالا حتی یتحقق فیہ الضمان» (نجفی جواهری، ۱۳۶۲ ش: ۳۷، ۳۶). از این رو، توسعه قاعده به حقوق غیرمادی مانند حیثیت، آبرو یا آرامش روانی، بی‌دلیل و خارج از حدود ظهور آن است.

با این حال، برخی فقها معتقدند که شرط تحقق قاعده، مالیت نیست. محقق ثانی بیان می‌کند: «أن أجزاء الملك وإن بلغت القلّة مملوكة قطعاً، ولا يجوز لأحد إنتزاعها غصباً، ويجب ردّ العين، ومع التلف فالمثل، لعموم «علی الید ما أخذت»» (محقق ثانی، ۱۴۱۴ ق: ۴، ۹۰). از میان فقهای معاصر نیز برخی به این مطلب قائل‌اند: «فلا بدّ فی الحكم بعدم الضمان فیہ من الاستناد إلى الاجماع لا القاعدة المقتضیة لثبوت الضمان فی الفرض المزبور» (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۰ ش: ۲۱ (کتاب الغصب)، ۲۲). بر این اساس، قاعده می‌تواند شامل اخذ چیزهایی شود که از نظر عرفی مالیت ندارند، مانند چند دانه گندم. چه بسا صاحب جواهر نیز به دلیل عدم تصور مالیت برای عمل حر این قاعده را بر ضمان عمل او تطبیق نداده باشد نه به دلیل عدم شمول قاعده نسبت غیر مال.

بنابراین، با توجه به عمومیت قاعده و عدم اختصاص آن به امور مالی، اشکال عدم مالیت در مورد خسارات معنوی قابل پذیرش نیست، هر چند سایر مسائل مرتبط با جریان قاعده در این موارد نیازمند بررسی جداگانه است.

### خسارت معنوی با غایت قاعده ضمان، تطابق ندارد

قاعده ضمان ید با تعبیر «حتی تؤدیه» ناظر به وجوب تادیبه و بازگرداندن آنچه از دست‌رفته است. یعنی غایت این قاعده، اعاده‌ی مال به مالک یا پرداخت بدل آن در صورت تلف است.

اما در پاسخ به این استدلال می‌توان گفت قاعده ناظر است به نفی حکمی که مجعول شارع است و معنای نفی ضرر این است که در بین احکام اسلامی، حکم ضرری وجود ندارد، در حالی که در این مسئله و موارد مشابه مثل بحث عدم ضمان عمل حر به سبب حبس او؛ شارع اصلاً حکمی را جعل نکرده است تا به وسیله لاضرر آن حکم را رفع کنیم (در واقع عدم الحکم است نه حکم به عدم) و در موارد عدم الحکم نمی‌توان با لاضرر حکم جدیدی را تاسیس کرد (خوانساری نجفی، ۱۴۱۸ ق: ۱۱۹) چون اگر بخواهیم عموم لاضرر را اراده کرده و به وسیله آن احکام را تاسیس کرده و نفی کنیم، در این صورت می‌توان به وسیله لاضرر هزاران حکم اثبات کرد و این مستلزم تاسیس فقه جدید است (انصاری، ۱۴۴۱ ق: ۶، ۱۰۱).

بنابراین، با توجه به اینکه قاعده لاضرر مثبت حکم نیست نمی‌توان برای اثبات لزوم جبران در خسارت معنوی به آن تمسک کرد؛ اما اگر برخی قاعده لا ضرر را هم مثبت و هم رافع حکم بدانند که در این صورت می‌توانند برای اثبات ضمان نیز به آن تمسک کنند خصوصاً اگر دلیل حجیت این قاعده را سیره عقلاً نیز قرار دهند.

### بررسی دلالت قاعده «ضمان» بر لزوم جبران

قاعده‌ی فقهی ضمان ید که در عبارت «علی الید ما أخذت حتی تؤدیه» برگرفته از حدیث مشهور نبوی بیان شده است (نوری، ۱۴۰۸ ق: ۱۴، ۸)، به عنوان یکی از قواعد مهم ضمان در فقه امامیه مطرح است (خمینی، ۱۴۰۹ ق: ۴، ۵۷). این قاعده بیانگر آن است که هرگاه کسی چیزی را بدون رضایت مالکش تحت ید و سلطه‌ی خود درآورد، ضامن آن است تا زمانی که آن را به مالکش بازگرداند (مصطفوی، ۱۴۲۱ ق: ۱۷۴).

با تحلیل و توسعه‌ی مفهومی قاعده ضمان ید، می‌توان بر لزوم جبران خسارت معنوی نیز استدلال کرد:

مفهوم ید در فقه، فراتر از سلطه فیزیکی صرف است. فقها «ید» را به معنای استیلا و تصرف می‌دانند (حسینی، ۱۴۱۷ ق: ۲، ۴۱۹). اگر شخصی بدون مجوز بر حق یا شأن معنوی دیگری تسلط یابد - برای مثال، با پخش اطلاعات خصوصی، تحقیر، توهین یا تعرض به حیثیت و شخصیت فرد - می‌توان گفت که بر یکی از شئون وجودی او «ید» یافته است.

ضمان ید، ناظر به هر نوع استیلا‌ی غیرمجاز است، نه فقط استیلا‌ی مالی. هرگاه ید بر چیزی، بدون اذن یا مجوز شرعی صورت گیرد، آن ید ضمان‌آور است. حال اگر آنچه مورد استیلا قرار گرفته، حیثیت، اعتبار، آبرو یا آرامش روانی دیگری باشد، ید صورت گرفته بر یک حق غیرمالی تحقق یافته و ضمان آن نیز معقول است.

غایت قاعده ضمان ید، حفظ حقوق افراد از تعرض بی‌جهت دیگران است. تفاوتی ندارد که این حق، مالی باشد یا معنوی. در هر دو صورت، تصرف در آن بدون مجوز، مستلزم جبران است. پس اگر کسی حیثیت یا آرامش روانی دیگری را تحت سلطه‌ی خویش قرار دهد و موجب آسیب شود، بر او لازم است آن را جبران کند.

| عنوان قانون                         | سال             | ماده                             | نوع ارتباط با جبران خسارت معنوی         | شرح ارتباط  |
|-------------------------------------|-----------------|----------------------------------|---|---|
| قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، ماده ۳۳ | ۱۳۸۲ یا اصلاحات | ماده ۱۳                          | غیرمستقیم: ارجاع به ماده ۲۳ ق.م.ا. ۱۳۹۲ | امکان اعمال مجازات‌های تکمیلی و تبعی (از جمله اعاده حیثیت و منع فعالیت) که برخی جنبه‌های خسارت غیرمالی و حیثیتی را شامل می‌شود. |
| مجازات تکمیلی/تبعی/اعاده حیثیت      | ۱۳۹۲            | ماده ۲۳ ق.م.                     | غیرمستقیم: تدابیر تکمیلی غیرمالی        | صرفاً تدابیر غیرمالی مانند اعاده حیثیت، منع اشتغال که ناظر بر جبران رنج معنوی هستند؛ اما خسارت مالی را شامل نمی‌شود.            |
| ضرر معنوی، حیثیت، آبرو              | ۱۳۳۹            | ماده ۱، ۲، ۱۰ قانون مسئولیت مدنی | مستقیم: قانون عام                       | امکان مطالبه و جبران مالی/غیرمالی خسارت معنوی؛ عذرخواهی، درج حکم در رسانه‌ها، و وجه مالی.                                       |
| ضرر و زیان معنوی                    | ۱۳۹۲            | ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری  | مستقیم: قانون عام                       | حق صریح شاکی جهت مطالبه تمام ضرر و زیان‌های معنوی و مادی ناشی از جرم.   |

باشد. این قیاس اولویت مبتنی بر ملاک عقلایی و ضرورت حمایت از حقوق معنوی افراد است.

باوجود استدلال‌ات مطرح‌شده، چند اشکال مهم در زمینه توسعه ضمان از مال به خسارت معنوی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

### اولویت قطعی نیست

برای صحت قیاس اولویت، لازم است میان موضوعات قیاس شونده لازم است حکم اصل به همان علت و مناط بلکه قوی‌تر از آن در فرع نیز وجود داشته باشد (محمدی، ۱۳۸۷ش: ۳، ۲۹۳). در خسارت مالی، امکان تدارک وجود دارد؛ اما در خسارت معنوی مانند آبرو، چنین امکانی نیست. این اختلاف ماهوی موجب می‌شود قیاس مع الفارق باشد و مناط یقینی برای قیاس اولویت فراهم نشود.

### انصراف ضمان به امور مالی

در کلام مشهور فقها، ضمان ناظر به جبران مالی است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۶ق: ۳۰). که در صورت اتلاف مال غیر، متلف ضامن است بدل آن مال را برگرداند، در حالی که خسارت معنوی بدل ندارد و نمی‌توان برای جبران آن قیمتی در نظر گرفت؛ مثلاً اگر مؤمنی بر اثر افترا آبرویش بریزد، چگونه می‌توان با پرداخت مال آن را جبران کرد؟ افزون بر این، ضابطه مشخصی برای تعیین چنین جریمه‌ای وجود ندارد. البته چه‌بسا او با دریافت مبلغی راضی به گذشت شود، اما این امر غیر از حکم به ضمان است. ازاین‌رو، ضمان به جبران مالی اختصاص دارد، در حالی که جبران اعم از ضمان است؛ زیرا ضمان همواره مالی است، اما جبران گاهی غیرمالی است، مانند عذرخواهی رسمی (مصطفوی، ۱۴۲۱ق: ۲۰).

### استناد به عمومیت باب تعزیر (نسبت به حکم به جبران در خسارت معنوی)

در تحلیل امکان اثبات و جبران خسارت معنوی در فقه امامیه، در ابتدا به

اما در خسارت معنوی، مانند لطمه به حیثیت یا سلب آرامش، چنین بازگشتی ممکن نیست. چیزی برای اعاده و ادا وجود ندارد؛ بنابراین، غایت از وجوب ادا - یعنی بازگرداندن و تأدیه‌ی آنچه از دست‌رفته - در اینجا دست‌نیافتنی است، و این خود نشانه‌ای از خروج چنین مواردی از تحت مدلول قاعده است.

محقق اصفهانی برای توضیح اینکه قاعده ادا شامل ضمان منافع انسان حر نمی‌شود، چنین استدلال کرده است: اگر عنوان «ید و استیلا» بر منافع انسان آزاد صدق کند، اما عبارت «حتی تودیه» در حدیث، نشان می‌دهد که این حکم شامل منافع انسان حر در صورت اتلاف، نمی‌شود. (غروی اصفهانی، ۱۴۱۹ق: ۱، ۳۱۷ و ۳۱۸).

### عدم صدق ید در خسارت معنوی

خسارت معنوی مانند لطمه به شخصیت، آبرو، یا روان فرد، امری غیرمالی است، به تعبیر دیگر «مال» محسوب نمی‌شود تا گفته شود یدی بر آن قرار گرفته و ضمانی ثابت شود. از این‌رو نمی‌توان گفت که مرتکب، «ید» بر آبرو یا شخصیت زیان دیده داشته است.

بنابراین، تمسک به قاعده ضمان ید برای اثبات جبران در خسارت معنوی تمام نیست.

### بررسی دلالت قاعده «من اتلف» بر لزوم جبران

قاعده فقهی «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» بر ضمان ناشی از اتلاف مال دلالت دارد (انوار الفقاهه (کتاب الغصب)، ۱۴۲۲ق: ۱۴). با توجه به اهمیت عقلایی و عرفی خسارت معنوی مانند آبرو، حیثیت و آرامش روان، می‌توان مناط قاعده را توسعه داد و شامل موارد غیرمالی نیز دانست. ازاین‌رو، اگر اتلاف مالی ضمان دارد، به‌طریق اولی خسارت معنوی که اغلب آثار جبران‌ناپذیرتری دارند، باید ضمان آور

همه موارد الزام به جبران خسارت معنوی را اثبات کنند، جای دادن این نوع جبران در قالب تعزیر شرعی امکان پذیر است. این راهکار، هم با مبنای فقه امامیه سازگار است و هم موجب احیای کرامت قربانیان، ارتقای بازدارندگی اجتماعی و پیشگیری خاص خواهد شد. از منظر سیاست کیفری، پیشنهاد می شود قانون گذار در بازنگری آتی قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، با تصریح به امکان استفاده از ابزارهای غیرمالی جبران خسارت معنوی—مانند توبیخ علنی، الزام به عذرخواهی رسمی، محرومیت از ارتقاء یا سمت، و سایر اقدامات تناسبی—چارچوبی شفاف و قابل اجرا برای محاکم نظامی فراهم آورد. افزون بر این، پیشنهاد می شود قانون گذار از منظر روابط بین قانون خاص نیروهای مسلح و قوانین عام، باید توجه داشت که ماده ۱۳ این قانون، دریچه ورود تدابیر غیرمالی جبران خسارت معنوی را به نظام قضایی نظامی فراهم می کند. این امکان مکمل فقه امامیه در بهره گیری از نهاد تعزیر است، چرا که تعزیر در قالب مجازات تکمیلی می تواند شامل اقداماتی چون توبیخ علنی یا الزام به عذرخواهی باشد. باین حال، برای رفع خلأ و تثبیت حقوق شاخص نیروهای مسلح، نیاز است که مواد مستقلاً مشابه مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی و صراحت ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری در متن قانون خاص درج شود تا دادگاه های نظامی در صدور احکام جبران خسارت معنوی استقلال و شفافیت بیشتری داشته باشند.

### پیشنهاد های تحقیق

باتوجه به نتایج پژوهش حاضر و خلأ های شناسایی شده در زمینه جبران خسارت معنوی ناشی از اعمال کیفری در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، پیشنهاد های زیر ارائه می شود:

تصریح قانونی: بازنگری ماده های مرتبط در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و افزودن بندهای صریح در خصوص امکان و شیوه های جبران خسارت معنوی، به ویژه با ابزارهای غیرمالی مانند عذرخواهی رسمی، محرومیت از ارتقاء یا توبیخ علنی.

استانداردسازی رویه قضایی نظامی: تدوین دستورالعمل های قضایی ویژه برای محاکم نظامی در زمینه ارزیابی، اثبات و جبران خسارت معنوی.

تقویت مبانی فقهی: انجام تحقیقات تکمیلی بر مبنای فقه مقارن جهت بررسی تطبیقی راهکارهای جبران خسارت معنوی در فقه اهل سنت و نظام های حقوقی خارجی.

آموزش نیروهای مسلح: طراحی دوره های آموزشی درباره کرامت انسانی، پیشگیری از آسیب های معنوی و آشنایی با مسئولیت های کیفری و جبرانی.

ایجاد بانک داده قضایی: تشکیل پایگاه اطلاعاتی از آراء محاکم نظامی در خصوص خسارت معنوی جهت استفاده قضات، پژوهشگران و قانون گذاران.

ارزیابی تأثیرات اجتماعی: مطالعه میدانی درباره آثار اعمال کیفری بر حیثیت و اعتبار اجتماعی قربانیان در

قواعد عامی نظیر قاعده «لاضرر» و سایر اصول کلی فقهی استناد شده است. باین حال، بررسی دقیق تر نشان می دهد که این ادله به تهیایی توان اثبات لزوم جبران خسارت معنوی را ندارند؛ چراکه از آن ها نمی توان به صورت مستقیم و قطعی، ضمانت شرعی برای جبران چنین خسارتی را استنتاج کرد. از این رو، این احتمال تقویت می شود که حکم به جبران خسارت معنوی، نه بر اساس «باب ضمان»، بلکه از سنخ «باب تعزیر» باشد. تفاوت اساسی این دو مبنا در آن است که اگر حکم به جبران، بر پایه ضمان صادر شود، در حقیقت برای زیان دیده حق شرعی ایجاد می شود که می تواند مطالبه جبران را داشته باشد (مثلاً مطالبه اعاده حیثیت یا رفع افتراء). اما اگر این حکم در قالب تعزیر صادر گردد، صرفاً جنبه کیفری و تنبیهی دارد و هدف آن اصلاح و بازدارندگی مجرم است، نه اثبات دین و تعهد مالی یا غیرمالی بر عهده او. برای تقویت این مبنا ابتدا باید اثبات شود که دایره تعزیر منحصر در کیفرهایی مانند شلاق زدن نبوده، بلکه شامل هر نوع اقدام بازدارنده و متناسب با جرم و مجرم می گردد. در این زمینه، علامه حلی از جمله فقهای است که دامنه مفهوم تعزیر را بسیار گسترده دانسته است، وی در این باره می نویسد: «التعزیر یجب فی کل جنایة لا حد فیه و هو یكون بالضرب و الحبس و التوبیخ» (علامه حلی، ۱۴۲۰ق: ۲، ۲۳۹)، طبق این بیان، تعزیر ابزاری واسع در اختیار حاکم شرع است تا در برابر هر جرمی که فاقد حد یا کفاره معین است، مجازات متناسبی را با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی و ویژگی های جرم و مجرم تعیین کند؛ خواه این مجازات زندان باشد، یا ضرب، یا تبعید، یا حتی توبیخ و اقدامات دیگر. از فقهای معاصر نیز آیت الله مکارم شیرازی به صراحت بر وسعت دامنه تعزیرات تأکید دارند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۱، ۳۶۷). همچنین ایشان در کتاب تعزیر و گستره آن تصریح کرده اند که تعزیر امری «منصوص العلة» است؛ به این معنا که علت آن (بازدارندگی) مشخص بوده و می توان آن را در مصادیق گوناگون و نوپدید نیز جاری دانست (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق: ۵۳).

### بحث و نتیجه گیری

بررسی تطبیقی مبانی فقهی و ظرفیت های حقوقی در فقه امامیه و قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نشان داد که قواعد عام «لاضرر»، «ضمان ید» و «من أئلف» به رغم جایگاه بنیادین خود در نظام ضمان، ذاتاً برای پوشش بی ابهام و کامل خسارات معنوی کفایت ندارند. مبنای این نتیجه آن است که این قواعد عمدتاً در حوزه خسارات مالی و عینی قابل اعمال اند و توسعه مفهومی آن ها به حوزه غیرمالی، مستلزم استدلال تکمیلی و پذیرش عرفی—عقلایی است بر اساس تحلیل فقهی—حقوقی صورت گرفته، ظرفیت مؤثر برای جبران خسارت معنوی در نهاد تعزیر نهفته است. تفسیر موسع فقهایی چون علامه حلی از تعزیر، آن را به مجموعه ای از کیفرهای بازدارنده فراتر از شلاق شامل حبس، تبعید، توبیخ، سلب امتیاز و اقدامات مشابه توسعه می دهد. این برداشت، در آرای فقهای معاصر نیز انعکاس یافته است؛ آیت الله مکارم شیرازی تعزیر را «امری منصوص العلة» توصیف کرده و اختیار قضایی در انتخاب نوع و میزان آن را تابع مقتضیات جرم، شرایط اجتماعی و ویژگی های مرتکب می دانند. در نتیجه، هر چند ادله عام ضمان نمی توانند در

خوانساری، موسی، (۱۴۱۸ق)، منیه الطالب فی شرح المکاسب، ۱، تقریرات میرزا نائینی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

دهخدا، علی اکبر، (۱۳۵۹ش)، لغت نامه دهخدا، ۱، تهران: دانشگاه تهران.

رستمی نجف آبادی، حامد و ناصر، مهدی، (۱۳۹۷ش)، «تحلیل حقوقی ماهیت خسارت معنوی و طرق جبران آن در پرتو آرای فقهی»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۳.

صدر، سید محمد، (۱۴۲۱ق)، ماوراء الفقه، ۱، بیروت: دار الأضواء.

غروی اصفهانی، محمدحسین (۱۴۱۹ق)، حاشیه کتاب المکاسب، ۱، قم: انوار الهدی.

فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۲۱ق)، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة، ۱، قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار علیهم السلام.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۸ش)، کلیات و مقدمه علم حقوق، ۵، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

محمدی، علی، (۱۳۸۷ش)، شرح اصول الفقه، ۱۰، قم: دارالفکر.

محمودی، سعیده و مرادخانی، احمد، (۱۳۹۴ش)، «جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق ایران»، مطالعات فقهی و فلسفی، شماره ۲۲.

مصطفوی، سید محمدکاظم، (۱۴۲۱ق)، القواعد الفقهیه، ۴، قم: موسسه نشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۵ق)، تعزیر و گستره آن، ۱، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷ق)، استفتانات جدید، ۱، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).

نجفی الجواهری، الشیخ محمدحسن، (۱۳۶۲ش)، جواهر الکلام، قوچانی، عباس (محقق)، ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱، بیروت: موسسه آل بیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: ماده ۱۴، منتشر شده در مرکز پژوهش مجلس.

قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: ماده ۲۳، منتشر شده در منابع رسمی از جمله مرکز پژوهش مجلس.

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، ۱۳۸۲.

قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹: ماده ۱، ۲، ۱۰، منتشر شده در مرکز پژوهش مجلس.

هاشمی، محمدرضا و کریمی، علی، (۱۴۰۲). هوش مصنوعی و اصول اسلامی: فرصت‌ها و چالش‌ها. مجله فناوری و دین، ۱۰(۴)، ۱۳۷-۱۲۰.

فضای نظامی به منظور بهبود سیاست کیفری پیشگیرانه.

نهادسازی میانجی‌گری: پیشنهاد ایجاد سازوکارهای مصلحه و میانجی‌گری در پرونده‌های نظامی که دارای بعد معنوی آسیب هستند، باهدف جبران رضایت‌بخش و سریع.

انجام پژوهش‌هایی با اتخاذ رویکرد فقه مقارن و تطبیق حقوقی، با تمرکز بر بررسی سایر نظام‌های حقوقی از جمله نظام حقوقی فرانسه و مصر، به منظور ارائه الگوی بومی-مقایسه‌ای و کارآمدتر در این حوزه.

منابع

قرآن کریم.

افشار، حسن، (۱۳۹۵ش)، مسئولیت مدنی جبران خسارت معنوی در حقوق ایران، ۲، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

آل کیسی، علی (۲۰۲۳). The Scope of Moral Damages in Islamic Criminal Justice System. Journal of Islamic Law Studies, 45 (2), 87-112.

انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵ق)، رسائل فقهیه، ۱، قم: تراث الشیخ الأعظم.

انصاری، مرتضی، (۱۴۴۱ق)، المکاسب، ۲۴، قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکریة المئویة الثانية لمیلاد الشیخ الأعظم الأنصاری، الأمانة العامة. مجمع الفکر الاسلامی.

بهره‌مند، مهدی، (۱۳۹۲ش)، «عدم مشروعیت ضرر معنوی از دیدگاه قرآن و احادیث»، مطالعات قرآنی، شماره ۱۶.

بویری، حمید، (۱۴۰۱ش)، «مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از جرائم نیروهای مسلح»، تهران: انتشارات میزان.

پیمان، بابک، و زارع، مهدی و خسروی نیا، بابک، (۱۴۰۱ش)، «بررسی خسارت معنوی در رویه قضایی دادگستری»، جامعه شناسی سیاسی ایران، شماره ۲۴.

حائری، محمد، (۱۴۰۲ش)، تحلیل فقهی ضمان خسارت معنوی، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۲۴ (۳)، ۱۲۵-۱۴۸.

حدادی، فاضل، (۱۳۹۵ش)، «جبران خسارت معنوی از منظر فقه و حقوق»، رسائل، دوره سوم، شماره ۵ و ۶.

حسینی خواه، سید جواد، (۱۳۹۰ش)، قاعده ضمان ید، ۲، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.

حسینی، سیدمیر عبدالفتاح، (۱۴۱۷ق)، العناوین الفقهیه، ۲، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیه، ابراهیم بهادری، ۱، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).

خمینی، روح‌الله، (۱۴۰۹ق)، کتاب البیع، ۱، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).